

سِرِّ باطنی آیه کُهِف و سیدالشهدا (ع)

<?xml encoding="UTF-8?">

در منابع متعدد از جمله «الارشاد» شیخ مفید، «کشف الغمه» اربلی و «اعلام الوری باعلام الهدی» طبرسی، به نقل از زید بن ارقم آمده: «من در غرفه‌ای بودم که سر مطهر را بر فراز نیزه‌ای از جلوی من گذراندند. چون برابر من رسید، شنیدم که آیه: اَمْ حَسِبْتَ اَنْ اَصْحَابَ الْكُفِّهِمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (کُهِف: ۹) «آیا پنداشتی که اصحاب کُهِف و رقیم، از آیات شگفت ما بودند؟» را می‌خواند. به خدا سوگند مو بر تنم راست شد و صدا زدم: ای پسر رسول خدا، به خدا سوگند، [داستان] سر تو بسیار شگفت‌تر است.

تحلیل مضمون آیه و نسبت آن با کربلا

این آیه در مقام تعجب و تنبّه است: آیا گمان بردی که داستان اصحاب کُهِف و رقیم از نشانه‌های شگفت‌انگیز ماست؟ به عبارتی، قرآن می‌خواهد بگوید: این تنها یک نمونه است و آیات ما در کائنات و در وجود رسول خدا و خود قرآن، بسیار شگفت‌انگیزتر از آنند.

از جمله این آیات شگفت‌انگیز الهی، تلاوت قرآن از حلقوم بریده است. اگرچه زنده ماندن جوانانی در غار پس از سال‌ها خواب، عجیب است، اما آنان پس از مرگشان سخن نگفتند. اما سر مبارک سیدالشهدا علیه‌السلام، پس از شهادت، قرآن خواند پس این واقعه، از ماجرای اصحاب کُهِف و رقیم شگفت‌تر است.

شگفتی در شگفتی اینجاست که در ماجرای اصحاب کُهِف، مردم آن روزگار برای پیکرهای آن جوانان باایمان حرمت قائل شدند که در محل آرامگاهشان مسجدی بنا کردند و آن مکان را مقدس شمردند. اما حرامیان در کربلا، بدن بی‌جان اباعبدالله را لگدمال سم ستوران کردند با این حال، نه تنها مرقد نورانی امام حسین علیه‌السلام به زیارتگاه عاشقان تبدیل شد، بلکه تمام سرزمین کربلا قداستی ویژه پیدا کرد.

تشابه امام حسین علیه‌السلام و اصحاب کُهِف

میان حضرت اباعبدالله و اصحاب کُهِف تشابه‌های معناداری دیده می‌شود:

یک. هر دو گروه در برابر ظلم و طغیان قیام کردند. اصحاب کُهِف از سلطهٔ امپراطوری دینی‌ستیز گریختند، و سیدالشهدا علیه‌السلام در برابر حکومت یزید، که نماد تحریف دین و استبداد بود، ایستاد.

دو. هر دو، رمز بقا و حیات معنوی هستند. اصحاب کهف خوابیدند، اما نام‌شان زنده ماند؛ امام حسین علیه‌السلام شهید شد، اما قیامش تا ابد زنده است.

سه. هر دو، به اعجاز الهی به عنوان آیه و نشانه‌ای برای نسل‌های آینده تبدیل شدند.

پیوند باطنی میان آیه کهف و امام حسین علیه‌السلام

در نگاه نخست، داستان اصحاب کهف در قرآن حکایت گروهی جوان باایمان است که برای حفظ دین خود در برابر حکومت ظالم، ترک دیار کردند و به غاری پناه بردند. اما در ورای این ظاهر تاریخی، مفسران اهل معرفت، افق‌هایی ژرف‌تر از این داستان گشوده‌اند. از نگاه باطنی، «کَهف» (غار) می‌تواند نمادی از پناهگاه حقیقی بشر باشد؛ و چه پناهگاهی امن‌تر از وجود نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام؟ آنان که در زیارت‌ها و ادعیه، با تعبیراتی چون «کَهف‌الوری» (پناهگاه جهانیان) و «الکَهف‌الحصین» (پناهگاه استوار) معرفی شده‌اند، نشان می‌دهند که همان نقش پناه‌دهنده‌ای که غار برای اصحاب کهف داشت، حقیقتاً در قامت معنوی اهل بیت تجلی یافته است.

بنابراین، می‌توان سوره کهف را نه تنها روایتگر واقعه‌ای تاریخی، بلکه رمزنامه‌ای الهی برای شناخت جایگاه امامان معصوم دانست؛ آنان که در عصر فتنه، طوفانِ تردید، و سلطه باطل، کَهف امن ایمان و کشتی نجات اهل یقین‌اند.